

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: رنان وگا کانتور
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: عثمان حیدری
۲۰ می ۲۰۲۵

تقسیم کار بین المللی خشونت



سرمایه‌داری که هر روز بیشتر در سراشیبی زوال می‌غلطد، با خود غیرانسانی‌سازی و قساوت به ارمغان می‌آورد. کم‌کم آشکار می‌شود که بخش عظیمی از انسان‌ها در منطق سرمایه زائد تلقی می‌شوند و از همین رو مورد نابودی قرار می‌گیرند: بمباران‌هایی که کودکان را به خاک و خون می‌کشند؛ شکار مهاجران به سیاق دوران و سترن‌های دوردست؛ به بند کشیدن هزاران مرد بدون کمترین توجه به کرامت انسانی. وحشی‌گری در ملأ عام به نمایش گذاشته می‌شود و رقابتی برای اثبات بالاترین درجه توحش در جریان است، امری که آراء و محبوبیت را تضمین می‌کند. این انحرافی از ارزش‌های به اصطلاح تمدن‌ساز سرمایه‌داری و ایالات متحده نیست، بلکه خود قاعده است و از همین رو، خشونت به یک شغل و یک تجارت تبدیل می‌شود که بخش‌های کاملاً مشخصی از آن سود می‌برند.

شغل خشونت

برای آنکه سرمایه‌داری به کار خود ادامه دهد، نیازمند مشاغل خشونت است. از جمله این مشاغل می‌توان به کار زندانبانان، جلادان، خلبانانی که بمب بر سر مردم بی‌دفاع می‌ریزند، شکنجه‌گران، تکنسین‌هایی که پهپادهایی را از هزاران کیلومتر دورتر هدایت می‌کنند و جان انسان‌ها را می‌گیرند، و مزدوران دولتی یا شبه‌دولتی که به دستور دست به قتل می‌زنند، اشاره کرد. این‌ها شغل محسوب می‌شوند زیرا در ازای دستمزد، تعدادی از افراد به کار گرفته می‌شوند

و در بسیاری موارد، این فعالیت‌ها ارزش سرمایه را بالا می‌برند، همان‌طور که در تجارت پرسود زندان‌ها شاهد هستیم. هدف از شغل خشونت، وارد آوردن آسیب و درد به دیگر انسان‌ها به صورت آگاهانه و برنامه‌ریزی‌شده در ازای دریافت پول است. کسانی که به این مشاغل مشغول‌اند، در زندگی روزمره خود به شکلی عادی رفت و آمد می‌کنند: پس از قتل عام کودکان، شکنجه و بدرفتاری با زندانیان، با همسر و فرزندان خود در سوپرمارکت‌ها و مراکز خرید دیده می‌شوند و در زندگی روزمره خود حتی ممکن است بسیار مهربان باشند.

سرمایه‌داری همواره به مشاغل خشونت‌آمیز نیاز داشته است، اگر برده‌داری میلیون‌ها افریقایی را در طول چهار قرن و نحوه شکار و انتقال آن‌ها در کشتی‌های برده‌داری برای استفاده وحشیانه در مزارع و کشتزارها به یاد آوریم. این واقعیت تلخ مشهور است که وقتی دست یک برده در دستگاه نیش‌گرگیری گیر می‌کرد، یک سرکارگر که برای چنین احتمالی آماده بود، فوراً با تبر آن را قطع می‌کرد.

خشونت در فعالیت‌های شغلی گوناگون، مانند استخراج معادن، غالب بوده و هرگز از بین نرفته است، همان‌طور که امروزه معادن کوبالت در جمهوری دموکراتیک کنگو، که در آن‌ها انسان‌ها در تمام سنین به کار گرفته می‌شوند، گواه این مدعا هستند.

این خشونت در تمام مراحل تاریخی سرمایه‌داری از زمان گسترش جهانی آن در قرن شانزدهم با آن همراه بوده است. برای مدت طولانی، تا قرن بیستم، خشونت مرتبط با کار هرگز پنهان نشد و کسانی که از آن سود می‌بردند، در میان ثروت و تجمل، دور از مکان‌هایی که رفتار وحشیانه در آنجا قاعده بود، زندگی می‌کردند.

در قرن نوزدهم، صداهایی در اعتراض به این وحشی‌گری بلند شد که منجر به انتقال مشاغل خشونت تا حد امکان دور از اروپای متمدن شد. این امر تقسیم کار بین‌المللی خشونت را عمیق‌تر کرد، ویژگی بارز استعمار اروپا که تا به امروز در سرمایه‌داری موجود ادامه دارد.

دور از خانه، شاید به استثنای دوران هیتلر، خشونت به عنوان یک ضرورت تمدنی توجیه می‌شد، همان‌طور که نسل‌کشی در کنگو توسط لئوپولد دوم، پادشاه بلجیم، در اواخر قرن نوزدهم نمونه‌ای از آن است. و بدین ترتیب زنجیره‌های تأمین خشونت شغلی ایجاد شد که مرکز و پیرامون را به هم متصل می‌کند، همان‌طور که امروزه در رابطه ایالات متحده و اروپا با اسرائیل و فلسطین مشهود است.

تجارت خشونت در جهان امروز

همان‌طور که یک تقسیم کار بین‌المللی در زمینه مراقبت شکل گرفته است، که به این معناست که زنان فقیر جنوب جهانی فرزندان و خانواده‌های خود را ترک می‌کنند تا از فرزندان ثروتمندان و طبقه متوسط اروپای غربی و ایالات متحده مراقبت کنند، یک تقسیم کار در زمینه خشونت نیز وجود دارد، همان‌طور که نسل‌کشی در فلسطین و زندان‌های السالوادور گواه آن هستند.

در فلسطین، هر دقیقه ده‌ها نفر توسط هواپیماها و تجهیزات ارتش صهیونیستی که در ایالات متحده ساخته می‌شوند، با فناوری این کشور کار می‌کنند و توسط پنتاگون تأمین می‌شوند، قتل عام می‌شوند. یک تقسیم کار آشکار در کار کثیف وجود دارد: ایالات متحده ابزارهایی را فراهم می‌کند که خشم مرگبار اسرائیل را مؤثرتر می‌سازد، و از این طریق، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، برای حفظ منافع ژئواستراتژیک خود در منطقه سود می‌برد. خون، درد و مرگی که تولید می‌شود مهم نیست و همچنین مهم نیست که چه کسانی مجریان آن هستند – دولت صهیونیستی اسرائیل – آنچه برای ایالات متحده اهمیت دارد این است که این کار تا حد امکان دورتر انجام شود و ای کاش دیگران آن را انجام دهند، تا

زمانی که ممکن است، زیرا اغلب لازم است که نقاب را برداشت، همان طور که در یمن اتفاق می افتد. قاتلان اسرائیل به دلیل خشونت بی حد و مرز خود، از اعتبار شناخته شده ای در صنعت مرگ و رنج برخوردارند.

از سوی دیگر، رژیم نایب بوکله، السالوادور را به یک زندان گولپیکر تبدیل کرده است که الگوی سرکوب آن، یک خدمت اقتصادی است که در سطح بین المللی ارائه می شود. در حالی که برخی کشورها زنان خود (فیلیپین) را به عنوان کارگر خانگی می فروشند و برخی دیگر از موقعیت جغرافیائی ممتاز خود (پاناما) بهره می برند، السالوادور زندان های خود را عرضه می کند. این، نشانه متمایزی است که این کشور با آن در تقسیم کار بین المللی خشونت مشارکت می کند. ذینفع اصلی نمی تواند کسی جز ایالات متحده باشد، کشوری که همواره، چه در خفا و چه آشکارا، به کار کثیف دیگران متوسل شده است. در خفا با زندان های شکنجه متعدد سیا که در سراسر جهان پراکنده اند، یا در منظر جهانیان، مانند گوانتانامو. نکته جدید این است که اکنون مهاجرانی که در ایالات متحده شکار می شوند، به زندان های السالوادور منتقل می شوند و دیگر به کشورهای مبدأ خود بازگردانده نمی شوند.

به بند کشیدن افراد و رفتار خشونت آمیز با آن ها یک تجارت است، همان طور که «توافق تجاری» بین بوکله و ترمپ آن را آشکار می سازد: به ازای هر مهاجری که در السالوادور زندانی شود، دولت ایالات متحده بیست هزار دلار به این کشور پرداخت می کند. برای این منظور، «مرکز مهار تروریسم» (Cecot) با ظرفیت پذیرش چهل هزار مرد آماده شده است، که در حال حاضر به دلیل وجود تنها پانزده هزار زندانی، از تمام ظرفیت آن استفاده نمی شود. این مرکز بزودی در برابر هزاران نفری که بدون رعایت ابتدائی ترین اصول حقوق لیبرال از ایالات متحده اخراج می شوند، کوچک خواهد شد.

در همین راستا، امروزه لگدمال کردن کرامت انسانی به یک افتخار بدل شده است، همان طور که کریستی نوئم، وزیر امنیت ایالات متحده، آن را به تصویر می کشد. او در مقابل یک سلول پر از زندانی در Cecot، در برابر دوربین تلویزیون می گوید: «اگر به طور غیرقانونی وارد کشور ما شوند، این می تواند یکی از عواقب آن باشد. این تأسیسات یکی از ابزارهای جعبه ابزار ما است که اگر مرتکب جرم علیه مردم امریکا شوید، از آن استفاده خواهیم کرد.» این نمایش انزجارآور تنبیهی نشان می دهد که شغل خشونت، آینده ای درخشان دارد.

منتشر شده در نسخه چاپی ال کولکتیوو (مدئین)، شماره ۱۰۷، می ۲۰۲۵.